باسمه تعالی

سؤالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: **فارسی ۳**	رشته: **کلیهٔ رشته‌ها**	
نام و نام خانوادگی:	پایه: **دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه**	مدت امتحان: **۹۰ دقیقه**
منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی	مرکز ارزشیابی خیلی‌سبز	تعداد صفحه: **۵**

ردیف	سـؤالات	صفحهٔ ۱ از ۵	نمره

قلمرو زبانی (۷ نمره)

۱	در کدام گزینه، واژه‌ای به کار رفته که به معنای «روی‌گرداندن از کسی یا چیزی» است؟ الف) در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند ب) کزین کوه آتش نیابم تپش پ) بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. ت) بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند.	۰/۲۵
۲	معنی واژهٔ مشخص‌شده را بنویسید. با حال استیصال پرسیدم: «پس چه خاکی به سرم بریزم؟!»	۰/۲۵
۳	معادل معنایی واژهٔ مشخص‌شده در بیت «گل اگرچه هست بس صاحب‌جمال/ حسن او در هفته‌ای گیرد زوال» کدام واژه در بیت زیر است؟ «شفیعٌ مطاعٌ نبیٌّ کریم قسیمٌ جسیمٌ نسیمٌ وسیم»	۰/۲۵
۴	کدام واژه جزو معانی کلمهٔ مشخص‌شده نیست؟ «کلمات را کنار زنید و در زیر آن روحی را که در این تلقّی پنهان است، تماشا کنید.» (دریافت ـ تعبیر ـ یادآوری ـ نگرش)	۰/۲۵
۵	با توجه به سرودهٔ زیر، شکل درست واژه‌ای را که املای آن غلط است، بنویسید. «آه،/ دیگر اکنون آن عماد تکیه و امّید ایران‌شهر،/ شیرمرد عرصهٔ ناوردهای هول،/ پور زال زر/ در تگِ تاریکْ ژرفِ چاه پهناور،/ چاه قدر ناجوانمردان/ .../ آری اکنون تهمتن با رخش غیرتمند،/ در بُنِ این چاه آبش زهرِ شمشیر و سِنان، گم بود»	۰/۲۵
۶	در کدام‌یک از ابیات زیر، غلط املایی دیده می‌شود؟ الف) به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت صد کاروان ب) بگرای چو اژدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر ارقند	۰/۲۵
۷	در کدام گزینه واژهٔ انتخاب‌شده از نظر املایی درست است؟ الف) یکی از حضّار که کبّادهٔ شعر و ادب می‌کشید، چنان ..... گردیده بود که جبههٔ شاعر را بوسید. (محظوض ـ محظوظ) ب) عشق، بنده را به خدا برساند؛ پس عشق از بهر این معنی، ..... راه آمد. (فرض ـ فرز)	۰/۲۵
۸	در کدام گزینه املای واژه‌ای غلط است؟ شکل درست آن را بنویسید. الف) من زندگانی را در چادر با تیر تفنگ و شیههٔ اسب آغاز کردم. در چهارسالگی پشت قاش زین نشستم. ب) صدایی که می‌آمد، حزین‌ترین لحنی بود که شنیده بودم. بچه‌ها از صدای مهیب توپخانه زلّه شده بودند و آخرین رمق‌هایشان را در آخرین فشنگ‌هایشان می‌ریختند.	۰/۵
۹	در هر یک از موارد زیر، املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) آن وقت من هر چه اصرار و تعارف می‌کنم، تو بیشتر ابا و (امتناء ـ امتناع) می‌ورزی. ب) چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه (سور ـ صور) پ) نهالی چند که وی در هنگام ورود خویش در باغ (قرص ـ غرس) کرده بود، اکنون درختانی تناور شده بودند.	۰/۷۵
	ادامهٔ سؤالات در صفحهٔ دوم	

باسمه تعالی

سؤالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: **فارسی ۳**	رشته: **کلیهٔ رشته‌ها**	
نام و نام خانوادگی:	پایه: **دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه**	مدت امتحان: **۹۰ دقیقه**
منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی	مرکز ارزشیابی خیلی‌سبز	تعداد صفحه: **۵**

ردیف	سـؤالات	صفحهٔ ۲ از ۵	نمره

۱۰ در هر دو مصراع کدام بیت، «شیوهٔ بلاغی» دیده می‌شود؟ — **۰/۲۵**

الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد — هر که این آتش ندارد نیست باد

ب) چو او را بدیدند برخاست غو — که آمد ز آتش برون شاه نو

۱۱ در همهٔ گزینه‌ها، «حذف به قرینهٔ معنایی» صورت گرفته است؛ به‌جز ..... — **۰/۲۵**

الف) ای عزیز! پروانه، قوت از عشق آتش خورد؛ بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد.

ب) سرانجام گفت ایمن از هر دوان — نه گردد مرا دل، نه روشن روان

پ) همان به کزین زشت‌کردار، دل — بشویم کنم چارهٔ دل‌گُسل

ت) دیدم ماشاءالله چشم بد دور آقا واترقّیده‌اند؛ قدّش درازتر و تک‌وپوزش کریه‌تر شده است.

۱۲ با توجّه به بیت «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان/ گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست» درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخّص کنید. — **۰/۵**

الف) هر دو واژهٔ مشخّص‌شده، نقش «مسند» دارند. ☐ درست ☐ نادرست

ب) «چهار» مفعول در بیت دیده می‌شود. ☐ درست ☐ نادرست

۱۳ در بیت «از پای تا سرت همه نور خدا شود/ در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی»:

الف) یک حرف (پیوند) وابسته‌ساز بیابید. — **۰/۲۵**

ب) جملهٔ پیرو (وابسته) را مشخّص کنید. — **۰/۲۵**

۱۴ ساختار کدام مصراع مطابق الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟ — **۰/۲۵**

«کزین دو یکی گر شود نابه‌کار — از آن پس که خواند مرا شهریار؟»

۱۵ نوع ترکیب مشخص‌شده (وصفی/ اضافی) در بیت «درنیابد حال پخته هیچ خام/ پس سخن کوتاه باید والسّلام»، با کدام ترکیب در بیت زیر یکسان است؟ — **۰/۲۵**

«در دفتر زمانه فتد نامش از قلم — هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت»

۱۶ در کدام گزینه، پس از مرتّب‌کردن اجزا طبق زبان معیار، «وابستهٔ وابسته» پدید می‌آید؟ — **۰/۲۵**

الف) گفت ما را هفت وادی در ره است

ب) می‌بارمت بر دیده‌ها باران خورشید

پ) همّتم بدرقهٔ راه کن ای طایر قدس

ت) کار دائم درد و حسرت آیدت

۱۷ در عبارت زیر، نوع «وابستهٔ وابسته» را تعیین و نمودار پیکانی آن را رسم کنید. — **۰/۵**

«آن عالم پر شگفتی و راز، سرایی سرد و بی‌روح شد، ساختهٔ چند عنصر!»

۱۸ در بیت «چو بشنید خسرو از آن شاد گشت/ روانش ز اندیشه آزاد گشت»، معنای واژهٔ «اندیشه»، از طریق رابطهٔ معنایی ..... با واژهٔ «شاد» دریافت می‌شود. (تضمّن ــ تضاد) — **۰/۲۵**

۱۹ در سرودهٔ «هفت خوان را زادسرو مرو/ یا به قولی «ماخ‌سالار» آن گرامی مرد/ آن هریوهٔ خوب و پاک‌آیین روایت کرد؛/ خوان هشتم را/ من روایت می‌کنم اکنون، .../ من که نامم «ماث» ...»؛

الف) دو نقش تبعی متفاوت مشخص کنید. — **۰/۵**

ب) یک واژه یا ترکیب نوساخته بیابید و بنویسید. — **۰/۲۵**

ادامهٔ سؤالات در صفحهٔ سوم

باسمه تعالی

سؤالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: **فارسی ۳**	رشته: **کلیهٔ رشته‌ها**	
نام و نام خانوادگی:	پایه: **دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه**	مدت امتحان: **۹۰ دقیقه**
منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی	مرکز ارزشیابی خیلی‌سبز	تعداد صفحه: **۵**

ردیف	سـؤالات	صفحهٔ ۳ از ۵	نمره

۲۰	نوع پسوند «ان» در کلمهٔ مشخص‌شده در بیت «همّت اگر سلسله‌جنبان شود/ مور تواند که سلیمان شود» با کدام گزینه یکسان است؟ الف) ناگهان مصطفی خرامان مانند طاووس مست وارد شد. ب) مهرورزی تو بر گل، کار راستان و پاکان است. پ) در بهاران، عشق من! خنده‌ات را می‌خواهم	۰/۲۵
	قلمرو ادبی (۵ نمره)	
۲۱	شکل مرتّب‌شدهٔ واژه‌های زیر، بیتی است سرودهٔ «حافظ»؛ آن را بنویسید. «چو ـ بشوی ـ کیمیای عشق ـ زر ـ دست ـ مردان ره ـ مس ـ از ـ وجود ـ بیابی ـ و ـ تا ـ شوی»	۰/۲۵
۲۲	مصراع‌های کدام بیت، جابه‌جا نوشته شده است؟ الف) لبریز زندگی است نفس‌های آخرت / آورده مـــرگ، گرم به آغـــوش تو پناه ب) لبخندِ گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران / آیینـــهٔ نگاهت، پیوند صبح و ســـاحل	۰/۲۵
۲۳	یک بیت، قبل از بیت «به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم/ به هر حالت که بودم با تو بودم؛ میهن ای میهن!» رابنویسید.	۰/۵
۲۴	جاهای خالی را پر کنید. الف) به نوع گفت‌وگوی شعر زیر، در اصطلاح ادبی، ..... می‌گویند. «بگفتـــا دل ز مهرش کـــی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشـــم خفته در خاک بگفـــت او آنِ مـــن شـــد زو مکن یاد / بگفت این کـــی کند بیچـــاره فرهاد» ب) پدیدآورندهٔ کتاب ..... (سانتاماریا ـ ارمیا ـ تیرانا ـ کویر) محمدرضا رحمانی (مهرداد اوستا) است.	۰/۵
۲۵	درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید. الف) کتاب «قصّهٔ شیرین فرهاد» نوشتهٔ احمد عربلو با لحن و بیانی طنزآمیز است. ب) زمینهٔ حماسی به‌کاررفته در بیت «اگر کوه آتش بُوَد بسپَرم/ از این تنگ خوار است اگر بگذرم» خرق عادت است.	۰/۵
۲۶	آرایهٔ مقابل کدام گزینه، نادرست ذکر شده است؟ الف) فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد. (استعاره) ب) باآن‌که‌جیب‌وجام‌من‌ازمال‌ومی‌تهی‌است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (حسن تعلیل) پ) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تـــو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (مجاز) ت) گویی حنجره‌اش دو تنبوشه داشت؛ یکی برای بلعیدن لقمه و دیگری برای بیرون‌دادن حرف‌های قلنبه. (سجع)	۰/۲۵
۲۷	در سرودهٔ زیر «مشبّه» را مشخّص کنید. «آن خداوند و سوار رخش بی‌مانند،/ آن که هرگز ـ چون کلید گنج مروارید ـ/ گم نمی‌شد از لبش لبخند»	۰/۲۵
	ادامهٔ سؤالات در صفحهٔ چهارم	

باسمه تعالی

سؤالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: **فارسی ۳**	رشته: **کلیهٔ رشته‌ها**	
نام و نام خانوادگی:	پایه: **دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه**	مدت امتحان: **۹۰ دقیقه**
منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی	مرکز ارزشیابی خیلی‌سبز	تعداد صفحه: **۵**

ردیف	سؤالات	صفحهٔ ۴ از ۵	نمره

۲۸ آرایهٔ مناسب با هر بیت را از داخل کمانک انتخاب کنید. — **۰/۷۵**

الف) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست — مر زبان را مشتری جز گوش نیست (تناقض ـ ایهام تناسب)

ب) عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را — سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را (تلمیح ـ اسلوب معادله)

پ) رخ شاه کاووس پر شرم دید — سخن گفتنش با پسر نرم دید (تضاد ـ حس‌آمیزی)

۲۹ در بیت «آن‌جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد/ غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟»، «شب» نماد چه مفهومی است؟ — **۰/۲۵**

۳۰ آرایه‌های ادبی به‌کاررفته در ستون «ب» به کدام‌یک از بیت‌های ستون «الف» مربوط می‌شود؟ (در ستون «ب» یک مورد اضافی است.) — **۰/۷۵**

ستون «الف»	ستون «ب»
الف) با محتسبم عیب مگویید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است	اغراق
ب) نهادند بر دشت هیزم دو کوه جهانی نظاره شده هم‌گروه	جناس همسان
پ) نی حریف هر که از یاری برید پرده‌هایش پرده‌های ما درید	تضمین
	ایهام

۳۱ مفهوم کنایی قسمت مشخّص‌شده را بنویسید. — **۰/۲۵**

«در خوش‌زبانی و حرّافی و شوخی و بذله و لطیفه، نوک جمع را چیده و ...»

۳۲ دربارهٔ «تلمیح» به‌کاررفته در بیت زیر توضیح دهید. — **۰/۵**

«ز نیرنگ هوا و از فریب آز خاقانی — دلت خُلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش»

قلمرو فکری (۸ نمره)

۳۳ کدام‌یک از ابیات زیر، می‌تواند بیتی از یک «غزل اجتماعی» باشد؟ — **۰/۲۵**

الف) دل گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی — مرداد مَه و گاه دی‌اش نام نهادند

ب) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن — بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

۳۴ شاعر (محمّدتقی بهار) در کدام بیت، مردم مبارز و آگاه را به «ترک سستی و بی‌حاصلی و احیای قدرت و شوکت» فرامی‌خواند؟ — **۰/۲۵**

الف) برکش ز سر این سپید معجر — بنشین به یکی کبود اورند

ب) زین بی‌خردان سفله بستان — دادِ دل مردم خردمند

۳۵ کدام بیت، شاهدی بر «اثبات بی‌گناهی سیاوش» است؟ — **۰/۲۵**

الف) یکی دشت با دیدگان پر ز خون — که تا او کی آید ز آتش برون

ب) چو پیش پدر شد سیاووش پاک — نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک

ادامهٔ سؤالات در صفحهٔ پنجم

باسمه تعالی

سؤالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: **فارسی ۳**	رشته: **کلیهٔ رشته‌ها**	
نام و نام خانوادگی:	پایه: **دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه**	مدت امتحان: **۹۰ دقیقه**
منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی	مرکز ارزشیابی خیلی‌سبز	تعداد صفحه: **۵**

ردیف	سؤالات	صفحهٔ ۵ از ۵	نمره

۳۶ مفهوم مناسب هر بیت در ستون «الف» را از ستون «ب» انتخاب کنید. (یک مفهوم در ستون «ب» اضافی است.) — نمره: ۱

ستون «الف»	ستون «ب»
الف) بی‌عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟ یعنی اگر نباشی کار دلم تمام است	۱) نابرده رنج گنج میسّر نشود
ب) مشو در پیچ و تاب رنج و غم گم به هر حالت تبسّم کن تبسّم	۲) عاشق به عشق زنده است
پ) زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت	۳) لب خندان بیاور با دل خون
ت) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند	۴) چو عشق آمد از عقل دیگر مگو
	۵) آزادگان را از مرگ هراسی نیست

۳۷ بیت «نی حدیث راه پرخون می‌کند / قصّه‌های عشق مجنون می‌کند» با کدام بیت تناسب مفهومی دقیق‌تری دارد؟ — نمره: ۰/۲۵

الف) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان این مُلک که بغداد و ری‌اش نام نهادند
ب) شیرمردی باید این ره را شگرف زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف

۳۸ هر یک از ابیات زیر، کدام وادی از «هفت وادی» عطّار را به یاد می‌آورد؟ — نمره: ۰/۵

الف) چشم بگشا به گلستان و ببین جلوهٔ آب صاف در گل و خار
ب) هشت جنّت نیز این‌جا مرده‌ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

۳۹ شاعر در سرودهٔ زیر، شعر خود را چگونه شعری معرّفی می‌کند؟ — نمره: ۰/۵

«قصّه است این قصّه؛ آری قصّهٔ درد است / شعر نیست؛ / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است»

۴۰ مفهوم مشترک آیهٔ ﴿و مَا رَمَیْتَ إِذْ رَمَیْتَ وَلکنّ اللهَ رَمَی﴾ با بیت زیر چیست؟ — نمره: ۰/۵

«ز یزدان دان، نه از ارکان، که کوته‌دیدگی باشد که خطّی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی»

۴۱ کدام مفهوم از عبارت زیر برداشت نمی‌شود؟ — نمره: ۰/۵

«... تا امسال که رفتم، دیگر سر به آسمان برنکردم و همه چشم در زمین که این‌جا می‌توان چند حلقه چاه عمیق زد و ... آن جا می‌شود چغندرکاری کرد...! و دیدارها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک!»

الف) غلبهٔ نگاه مادی و علم‌زده بر نگاه معنوی و معرفتی
ب) یکسانی پدیده‌های مادی و معنوی در ارزش ذاتی
پ) نکوهش عقلانیت و مادی‌گرایی

۴۲ معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف) جدایی از آن‌ها متأثّرم می‌کرد. — ۰/۲۵
ب) هر کسی از ظنّ خود شد یار من — ۰/۲۵
پ) در اواخر عمر با بنده مألوف شده بود و کاسه و کوزه یکی شده بودیم. — ۰/۵
ت) عشق من، خندهٔ تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفد / بخند؛ زیرا خندهٔ تو برای دستان من / شمشیری است آخته — ۰/۵
ث) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دیدِ جان دستور نیست — ۰/۵
ج) هر یکی بینا شود بر قدر خویش بازیابد در حقیقت صدر خویش — ۰/۵
چ) بفکن ز پی این اساس تزویر بگسل ز هم این نژاد و پیوند — ۰/۷۵
ح) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. — ۰/۷۵

	«موفق باشید»	جمع نمرات: ۲۰

قلمرو زبانی

۱ «پ» اعراض (روی‌گرداندن از کسی یا چیزی، روی‌گردانی) (۰/۲۵)

معنی واژه‌های مهم در سایر گزینه‌ها:

الف) نفیر: فریاد و زاری به صدای بلند ب) تپش: اضطراب ناشی از گرمی و حرارت، گرمی و حرارت ت) تضرّع: زاری‌کردن، التماس‌کردن

۲ استیصال: ناچاری، درماندگی (۰/۲۵)

۳ «قسیم» (۰/۲۵) «صاحب‌جمال» یعنی زیبا، زیبارو. قسیم نیز به معنی صاحب‌جمال و زیباست.

معنی واژگان مهم:

شفیع: شفاعت‌کننده، پایمرد ـ مُطاع: فرمانروا، اطاعت‌شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌بَرَد. ـ نبی: پیام‌آور، رسول ـ جسیم: خوش‌اندام ـ نسیم: خوش‌بو ـ وسیم: دارای نشان پیامبری

۴ «یادآوری» (۰/۲۵) («یادآوری» معنی واژهٔ تداعی است.)

۵ قدر (غلط) ← **غَدْر** (۰/۲۵) (غَدْر: خیانت، حیله و مکر، بی‌وفایی)

با توجّه به محتوای کلّی سروده (توصیف صحنهٔ افتادن رستم در درون چاهی تاریک، عمیق و ... که شغادِ ناجوانمرد برای او (رستم) کنده است) و نیز همراهی واژهٔ «ناجوانمردان»، می‌توان دریافت که غَدْر (حیله و خیانت) مناسب و صحیح است نه قدر (ارزش، بها و منزلت).

۶ «ب» ارقند (غلط) ← **ارغند** (۰/۲۵) (خشمگین و قهرآلود)

۷ «الف» محظوظ: بهره‌ور (۰/۲۵)

در عبارت «ب»، «فَرض» به معنی «واجب، ضروری» صحیح و مناسب است نه فِرز (= چابک و سریع). «فرض راه آمد»، یعنی ضروری و بایستهٔ راه (سیر و سلوک) است.

۸ «ب» زلّه (غلط) (۰/۲۵) ← **ذلّه** (به ستوه آمدن، خسته‌شدن) (۰/۲۵)

۹ الف) امتناع (خودداری، سر باز زدن از انجام کاری یا قبول‌کردن سخنی) (۰/۲۵)

با توجّه به حضور واژه‌های «اِصرار» (پافشاری) و «اِبا» (خودداری) می‌توانیم بفهمیم که امتناع (از ریشهٔ منع) انتخاب صحیح و مناسبی است.

ب) سور (بزم و شادی، جشن) (۰/۲۵)

سور به معنای «جشن و شادی، بزم و ضیافت» است. با توجّه به حضور واژهٔ «شیون» و برقراری رابطهٔ معنایی تضاد میان این دو واژه (سور ≠ شیون)، می‌توانیم حدس بزنیم که سور واژهٔ مناسبی برای تکمیل بیت است نه صور (بوق و شیپور).

پ) غَرْس (نشاندن و کاشتن درخت و گیاه) (۰/۲۵)

در این عبارت، سخن از کاشتن و نشاندن نهال و درخت است؛ بنابراین واژهٔ مناسب برای تکمیل عبارت، غَرْس است (قُرص یعنی «هر چیز گرد و مدوّر، گِرده، محکم و استوار»).

۱۰ «ب» (۰/۲۵) جملهٔ دوم «برخاست غو» در مصراع اوّل و کلّ مصراع دوم به شیوهٔ بلاغی بیان شده است. صورت مرتّب‌شدهٔ بیت: چو او را بدیدند غو برخاست/ که شاه نو ز آتش برون آمد

در بیت «الف»، فقط جملهٔ اوّلِ مصراع اوّل (آتش است این بانگ نای) به شیوهٔ بلاغی سروده شده است و در مصراع دوم، ارکان جمله مرتّب‌اند.

۱۱ «ب» (۰/۲۵) در این گزینه، حذف به قرینهٔ لفظی دیده می‌شود: سرانجام گفت: مرا دل (= دلِ من)، از هر دوان ایمن نه گردد (نگردد) و روان من [از هر دوان] روشن نه گردد (نگردد).

بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) ای عزیز [بدان که، آگاه باش که] ...؛ معمولاً بعد از منادا فعل به قرینهٔ معنایی حذف می‌شود./ پ) بِهْ (= بهتر) [است، باشد]/ ت) ماشاءالله [اَش باشد، بر او باد] ـ چشم بد دور [باد، باشد]

نکته در شبه‌جمله‌ها (حیف، افسوس، سلام، والسّلام، شکر، سپاس، درود، دریغ، شگفتا، ای بابا، ماشاءالله، ای داد و ...) و برخی جملات بی‌فعل (شبتان خوش، زیارت قبول، چشم بد دور، عیدتان مبارک و ...)، فعل به «قرینهٔ معنایی» حذف می‌شود.

۱۲ الف) نادرست (۰/۲۵) «پنهان» قید است و «کار» نقش مسند دارد.

ب) درست (۰/۲۵) مفعول‌ها: ۱) دیناری بده پنهان و خود را وارهان ۲) دینار ۳) خود ۴) کار شرع، کار درهم و دینار نیست

نکته گاهی «مفعول» به صورت جمله یا عبارت ذکر می‌شود:

(گفت: «مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»)

مفعول برای فعل «گفت»

۱۳ الف) چو (۰/۲۵)

ب) در راه ذوالجلال بی پا و سر شوی (۰/۲۵)

«تا» (در مصراع اوّل)، حرف اضافه و «واو» در «بی پا و سر» میان‌وند است.

۱۴ مصراع دوم (۰/۲۵) (صورت مرتّب‌شده: پس از آن که (چه کسی) مرا شهریار می‌خواند؟ (= می‌نامد، می‌گوید)

نهاد — مفعول — مسند — فعل

ساختار مصراع اوّل، مطابق الگوی «نهاد + مسند + فعل» است:

اگر یکی از این دو نابکار (= گناهکار) شود

گروه نهاد — مسند — فعل

۱۵ «دفتر زمانه» یا «نامش» (یک مورد، ۰/۲۵)

دقّت داشته باشید که ترکیب «حالِ پخته» در این بیت یک ترکیب اضافی است (منظور از «پخته» در این ترکیب، فرد پخته است؛ یعنی به عنوان صفت جانشین اسم به کار رفته و مضاف‌الیه است.)

ترکیب «هیچ خام» براساس الگوی «صفت پیشین + اسم» یک ترکیب وصفی است. ترکیب‌های «هر ملّت» و «مردم صاحب‌قلم» نیز وصفی‌اند.

۱۶ «پ» (۰/۲۵) در این گزینه، ضمیر پیوستهٔ «م» جهش یافته و جایگاه اصلی آن، بعد از واژهٔ «راه» بوده است؛ بنابراین پس از مرتّب‌کردنِ مصراع، این ضمیر (ـَ م) به عنوان وابستهٔ وابسته از نوع «مضافٌ‌الیهِ مضافٌ‌الیه» به کار می‌رود: ای طایر قدس، همّت [خودت را] بدرقهٔ راهم (بدرقهٔ راه من) کن.

بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) صورت مرتّب‌شدهٔ مصراع: گفت هفت وادی، در رهِ ما است (پس از مرتّب‌کردنِ اجزا، وابستهٔ وابسته پدید نمی‌آید./ «را» در این مصراع از نوع «فکّ اضافه» است.)

ب) صورت مرتّب‌شدهٔ سروده: [من] باران خورشید [را] بر دیده‌هایت می‌بارم (ضمیر «ت» در اصل، مضافٌ‌الیهِ «دیده‌ها» است، اما پس از جابه‌جایی ضمیر هم وابستهٔ وابسته‌ای پدید نمی‌آید.)

ت) صورت مرتّب‌شدهٔ مصراع: کارَت (کارِ تو) دائم، درد و حسرت آید (آید، معادل فعل اسنادی «می‌شود»). ضمیر «ت» نقش مضافٌ‌الیه دارد و پس از جابه‌جایی نیز، وابستهٔ وابسته نمی‌سازد.

۱۷ صفتِ مضافٌ‌الیه (۰/۲۵) ساختهٔ چند عنصر (۰/۲۵)

۱۸ تضاد (۰/۲۵)

۱۹ الف) آن گرامی مرد، آن هریوهٔ خوب و پاک‌آیین (ذکر یک مورد کافی است.) (۰/۲۵)/

بدل — بدل

پاک‌آیین (۰/۲۵)

معطوف

ب) «خوان هشتم»، «ماث» (ذکر یک مورد کافی است.) (۰/۲۵)

توجه «گرامی مرد» (ترکیب وصفی مقلوب) و «هریوه»، به ترتیب نمونه‌هایی از استفاده از ساختار دستوری زبان کهن و به‌کارگیری واژه‌های کهنه در شعر اخوان ثالث هستند.

۲۰ «الف» (۰/۲۵) «ان» در کلمهٔ «سلسله‌جنبان» به بن مضارع اضافه شده و نشانهٔ صفت فاعلی است. در واژهٔ خرامان (گزینهٔ «الف») نیز «ان» چنین وضعی دارد و نشانهٔ صفت فاعلی است. (خرام (بن مضارع از خرامیدن) + ان)

بررسی سایر گزینه‌ها:

ب) «ان» در هر دو واژهٔ «راستان» و «پاکان»، نشانهٔ جمع است.

پ) «ان» در بهاران، نشانهٔ زمان است (هنگام بهار).

قلمرو ادبی

۲۱ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی/ تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی (۰/۲۵)

۲۲ «ب» (۰/۲۵)

۲۳ تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی (۰/۲۵)/ فدای نام تو بود و نبودم؛ میهن ای میهن! (۰/۲۵)

۲۴ الف) مناظره (۰/۲۵) ب) تیرانا (۰/۲۵)

«سانتاماریا» اثر سیّد مهدی شجاعی دربارهٔ دفاع مقدّس است. «ارمیا» نوشتهٔ رضا امیرخانی دربارهٔ سرگذشت یک رزمندهٔ ایرانی است که به شهادت می‌رسد. «کویر» هم نوشتهٔ علی شریعتی است که نویسنده در آن به شرح زندگی خود پرداخته است.

۲۵ الف) درست (۰/۲۵)

ب) نادرست (۰/۲۵) زمینهٔ حماسی به‌کاررفته در این بیت، قهرمانی است نه خرق عادت. مطابق زمینهٔ قهرمانی حماسه، در این بیت به بی‌باکی، دلاوری و شجاعت قهرمان (سیاوش) اشاره شده است.

توجه دقّت داشته باشید که تنها به خاطر حضور ترکیب «کوه آتش» نمی‌توانیم بگوییم بیت خرق عادت دارد، چون خرق عادت زمانی رخ می‌دهد که امری خارق‌العاده (خلاف عرف و منطق) مثل «عبور از کوه آتش و به سلامت بیرون‌آمدن» جریان یافته باشد؛ بنابراین این بیت در میزان آتش زیاده‌روی کرده و فقط اغراق دارد.

- مواردی از قبیل «عبور از آتش و تبدیل‌شدن شعله‌های آتش به گل و گلستان، عمر و حکومت طولانی (مثل عمر هزارسالهٔ زال و حکومت هزارسالهٔ ضحّاک)، رویین‌تن‌بودن اسفندیار، حضور دیو سپید و سیمرغ، روییدن دو مار از دو کتف ضحّاک» را می‌توان نمونه‌ای از زمینهٔ خرق عادت (تخیّلی) در شاهنامه به شمار آورد.

۲۶ «ب» (۰/۲۵) (توجیه غیرواقعی و شاعرانه در بیت دیده نمی‌شود؛ پس حسن تعلیل ندارد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) «فرش زمرّدین»، استعاره از «سبزه‌ها، چمن‌ها و گیاهان»

پ) «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» ← مجاز از همهٔ هستی ـ «نان» ← مجاز از رزق «کف» ← مجاز از دست

ت) «لقمه» و «قلنبه» کلمات هم‌آهنگ پایان دو جمله و واژگان پدیدآورندهٔ سجع‌اند.

۲۷ مشبّه: لبخند (۰/۲۵)

- (لبخند (مشبّه) چون (ادات تشبیه) کلید گنج مروارید (مشبّه‌به) از لبش گم نمی‌شد (وجه‌شبه))

۲۸ الف) تناقض (۰/۲۵) محرمِ هوش، بی‌هوش است.

واژهٔ «مشتری» نه ایهام دارد و نه ایهام تناسب. ایهام ندارد، چون فقط در یک معنا (خریدار) به کار رفته است. ایهام تناسب ندارد، چون معنای غیر قابل قبول آن (سیّارهٔ مشتری) با واژه یا واژگانی تناسب ندارد.

ب) اسلوب معادله (۰/۲۵) دو مصراع، استقلال دستوری دارند و مصراع دوم، مثال و مصداقی برای مصراع اوّل است.

پ) حس‌آمیزی (۰/۲۵) (سخن‌گفتنِ نرم ـ دیدنِ سخن [گفتن])

۲۹ ستم و خفقان (یا جهل و ناآگاهی) (۰/۲۵)

۳۰ الف) ← ایهام (۰/۲۵) («مدام»: ۱) شراب، ۲) دائمی و پیوسته)

ب) ← اغراق (۰/۲۵) (جهانی برای نظاره (تماشا) آمده بودند.)

پ) ← جناس همسان (تام) (۰/۲۵) (پرده: نغمه و آهنگ ـ پرده: حجاب، مجازاً اسرار)

۳۱ بقیه را به سکوت واداشته بود (یا سخنگوی واحد شده بود). (۰/۲۵)

۳۲ بیت اشاره دارد به داستان طاووس، که مرغی بهشتی بود؛ اما به سبب آشنایی با مار و کمک به او در فریب‌دادن آدم، از بهشت رانده شد. (۰/۵)

قلمرو فکری

۳۳ «ب» (۰/۲۵)؛ در این بیت به مفهوم اجتماعی «میهن‌دوستی و جان‌فشانی در راه وطن» اشاره شده است؛ بنابراین می‌تواند بیتی از یک غزل اجتماعی باشد.

- مفهوم بیت «الف»، «تأثیرپذیری احوال جهان از احوال درونی ما» است و این مفهوم، ارتباطی به مسائل سیاسی و اجتماعی ندارد.

۳۴ «الف» (۰/۲۵)

- «کشیدن معجرِ سپید از سر» (آتشفشان‌کردن و ذوب‌کردنِ برف روی دهانهٔ قلّه)، نشانی است از ترکِ خاموشی و سستی و بی‌حاصلی و «بر اورندِ کبود نشستن» نیز نشان و کنایه‌ای است از به دست گرفتن قدرت و احیای شکوه و شوکت.

۳۵ «ب» (۰/۲۵) اثری از دود و آتش و گرد و خاک بر تن او نبود؛ یعنی از آتش به سلامت و پاکیزگی عبور کرده و بی‌گناه بوده است.

۳۶ الف) ← ۲) عاشق به عشق زنده است. (۰/۲۵)

ب) ← ۳) لب خندان بیاور با دلِ خون. (۰/۲۵)

پ) ← ۵) آزادگان را از مرگ هراسی نیست. (۰/۲۵)

ت) ← ۱) نابرده رنج، گنج میسّر نشود. (۰/۲۵)

۳۷ «ب» (۰/۲۵) بیت سؤال و بیت گزینهٔ «ب» به **دشواری و خطرناکی راه عشق** اشاره دارند و این‌که تنها، عاشقان حقیقی می‌توانند در این راه قدم بگذارند.

در بیت «الف» هم، صحبت از رنج و سختی و ستم است، اما نه رنج و سختی راه عشق، بلکه رنج و ستمی که شاهان و قدرت‌مداران در حقّ ضعیفان و بیچارگان روا داشته و روا می‌دارند!

۳۸ الف) توحید (یا وادی پنجم) (۰/۲۵)

- همه‌چیز (گل و خار در گلستان، کثرت‌ها) جلوه‌ای از خداوند و حقیقت (آب، وحدت) است.

ب) استغنا یا (وادی چهارم) (۰/۲۵)

- سالک (روندهٔ راه حق) در مرتبهٔ استغنا احساس می‌کند که حق‌تعالی از همه‌چیز، حتی بهشت و جهنم بی‌نیاز است، چه برسد به اعمال و طاعات آدمی.

۳۹ شعری که بیانگر درد و رنج مردم است نه شعری صرفاً خیالی! و همین‌طور معیاری برای تشخیص دوستی و دشمنی و مردی و نامردی است. (۰/۵)

۴۰ عامل و فاعلِ حقیقی همهٔ کارها اراده و خواست خداوند است و در واقع سررشتهٔ همهٔ امور در دست اوست. (یا هر پاسخ مشابه و درست دیگر) (۰/۵)

۴۱ «ب» (۰/۵) نویسنده می‌گوید: تمام توجّه و نگاه من به امور مادّی بود و نسبت به امور معنوی و احساسی بی‌اعتنا شده بودم. (سر به آسمان (نماد معنویات) بر نکردن، چشم در زمین (نماد مادیات) داشتن، چاه عمیق زدن و چغندرکاری‌کردن و سخن‌گفتن از خاک (نماد عالم مادی)، همگی نشانهٔ غلبهٔ نگاه مادی و علم‌زده و رنگ‌باختن معنویات است. نویسنده (علی شریعتی) از این‌که چنین نگاهی بر ذهن و روح وی غالب شده راضی نیست و این مادی‌گرایی و عقلانیت را نمی‌پسندد و نکوهش می‌کند؛ پس پدیده‌های مادی در نظر وی با معنویت و پدیده‌های معنوی هم‌ارزش نیستند.

۴۲ الف) جدایی از آن‌ها من را ناراحت و اندوهگین می‌کرد. (۰/۲۵)

ب) هر کسی در حدّ فهم و گمان خود با من یار و همراه شد. (۰/۲۵)

پ) در اواخر عمر با من (بنده)، مأنوس شده بود (۰/۲۵) و با هم صمیمی شده بودیم. (۰/۲۵)

ت) ای عشق من (محبوب من)، خندهٔ تو در سخت‌ترین و ناگوارترین لحظه‌ها، خود را نشان می‌دهد (۰/۲۵)؛ [پس] بخند، زیرا خندهٔ تو برای من سلاحی است که از آن برای مبارزه، نیرو می‌گیرم. (۰/۲۵)

ث) اگرچه جان، تن را ادراک می‌کند و تن از جان آگاهی دارد و هیچ‌یک از دیگری پوشیده نیست (۰/۲۵)، اما توانایی دیدن جان به هیچ کس داده نشده است (هیچ کس اجازهٔ دیدن روح و جان را ندارد). (۰/۲۵)

ج) [در سیر و سلوک عرفانی] هر فردی قدر و مرتبهٔ خود را می‌شناسد (۰/۲۵) و در حقیقت، جایگاه و ارزش و اعتبار حقیقی خود را درمی‌یابد. (۰/۲۵)

چ) بنیاد ریاکاری و فریب را (۰/۲۵) از ریشه برکن (۰/۲۵) و این تبار و نژاد و دودمان (خاندان قاجار) را نابود کن. (۰/۲۵)

ح) [خداوند] با فرارسیدن (آمدن) فصل بهار (۰/۲۵)، بر سر شاخه‌هایِ کوچکِ همانند اطفال (۰/۲۵)، شکوفه‌ها را مانند کلاهی قرار داده است. (۰/۲۵)